



حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی دامت برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۱) لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُبِينٌ (۱۲) لَوْلَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ (۱۳) وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۴) إِذْ تَلَقَّوهُ بِالْسَنَةِ تَقُولُونَ بَأْوَهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ (۱۵) وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ (۱۶) يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۷) وَيُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۱۸)﴾

قضیه افک یکی از همسران رسول خدا توسط منافقان

یکی از نکاتی که در صدر این سوره تعبیر شده است که ﴿سُورَةُ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ اهمیت همین جریان افک است که درباره حریم وجود مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رخ داد. مستحضرید که طبق نقل مفسران و مورخان شیعه و سنی، وجود مبارک حضرت به یکی از این غزوه‌ها و سفرها مسافرت کردند و قرعه‌ای برقرار می‌کردند در انتخاب همسر و همراه در این سفر برخیا گفتند عایشه خدمت حضرت بودند وقتی حضرت پیروزمندانه از سفر برگشتند در بین راه خب در شب تار، عایشه یا همسر دیگر برای قضای حاجت فاصله گرفت و موقع برگشتن چیزی را گم کرده بود برای پیدا کردن آن گم شده، شب تار بود رفت به

سراغ آن، قافله هم حرکت کرد طبق این نقل. وقتی که او گم شده‌اش را پیدا کرد برگشت دید قافله رفت یکی از اعضای قافله که پشت سر این قافله بود رسید و او را شناخت و سوار بر مرکب کرد و او را به قافله رساند.^۱ از اینکه او عایشه بود یا ماریه اختلاف است؛^۲ به هر تقدیر آن اصلِ مشترك این است که به حریم پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رابطه داشت.

منافقان که گروهی دسیسه‌باز بودند از این فرصت سوء استفاده کردند کسی تهمتی را جعل کرد عده‌ای هم این را رواج دادند. اینها گروهی بودند که در جریان ترور رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ناکام ماندند با کوشش و سعی فراوانی خواستند نظام اسلامی به مقصد نرسد که در جنگ احد يك سوم جمعیت تقریباً منافقانه برگشتند و حضرت را همراهی نکردند در هیچ کدام از این صحنه‌ها موفق نشدند. اخیراً به پست‌ترین وصف انسانی دست زدند و آن متهم کردن حریم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بود اینها گروهی بودند که قرآن از اینها به عنوان عُصْبَه یاد می‌کند و اینها مسئولی داشتند و زیرمجموعه‌ای که آن زیرمجموعه دارای درکات گوناگون بودند آن مسئول که متولی کبر و بزرگی این اتهام بود قسمت اتهام را به عهده داشت او عذاب الیم دامنگیرش می‌شد آنها که درکات میانی یا نازل داشتند هر کدام گرفتار گناه خاص خودشان شدند این گروه سعی کردند که حریم حضرت را مسلوب‌الحیثیه کنند. بعد از جریان قذف، خدای سبحان این داستان را ذکر کرد.

احکام اربعه قذف (بین زوجین و بیگانه)

قذف اگر بین زن و شوهر باشد که حکمش لعان و بهال بود که گذشت و اگر بین زن و شوهر نباشد آن مقذوفه سه حال دارد یا مُحَصَّنَه است که حکم قاذف همان ﴿ثَمَانِينَ جَلْدَةً﴾^۳ است که گذشت یا غیر مُحَصَّنَه و غیر عقیفه است. غیر عقیفه دو گروه‌اند برخیها عقیف نیستند ولی مشهور به بزهکاری هم نیستند آنها که غیر عقیفه‌اند ولی

۱. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۴۱۵؛ مجمع‌البیان، ج ۷، ص ۲۰۴ - ۲۰۶؛ التفسیر الکبیر، ج ۲۳، ص ۳۳۹ و ۳۴۰.

۲. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۹۹.

۳. سوره نور، آیه ۴.

مشهور به بزهکاری نیستند حد برای قذف آنها نیست فقط تعزیر است آنها که مشهوره به بزهکاری اند باکشان نیست از گفتن و شنیدن این حرفها اگر کسی قذفی کرد آنها را متهم کرد به بزهکاری نه حد دارد و نه تعزیر، پس آن مقذوفه یا عقیفه است یا غیر عقیفه، غیر عقیفه هم دو گروه اند اگر محصنه بود و عقیف بود که حد قذف همان ﴿ثَمَانِينَ جَلْدَةً﴾^۴ است و اگر غیر عقیف بود ولی مشهوره به بزهکاری نبود قذف با تعزیر همراه است سومی که غیر عقیفه است و مشهوره به بزهکاری است قذفش نه حد دارد و نه تعزیر. پس این مسائل چهارگانه که یکی مربوط به لعان است بین زن و شوهر و آن سه مسئله مربوط به قذف غیر زن و شوهر است اینها همه مقدمه بود برای مسئله اِفْكَ.

بیان تبرئه حریم نبوت از آلودگی در قرآن

در جریان افك، قرآن کریم این آیات فراوان را برای تبرئه حریم نبوت ذکر کرده چون انبیا با آبرو زندگی می کنند ممکن است همسر پیغمبر کافره باشد ولی کفر همسر باعث مسلوب الحیثیه شدن آن خاندان نیست. جریان نوح این طور بود جریان لوط این طور بود ﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ﴾^۵ و هر دو هم کافره بودند قرآن بالصراحه می گوید همسر نوح کافره بود همسر لوط کافره بود و این ننگ نیست برای اینکه حرف در او اثر نکرد اما اگر آلوده باشد این به حریم نبوت و اصول خانوادگی آسیب می رساند هیچ پیامبری گرفتار حریم آلوده نبوده لذا این مسئله آلودگی را گروهی دامن زدند لذا قرآن فرمود اینها گروهی بودند که این کار را کردند آنکه متولی کبر و بزرگی این اِثْهام بود عذاب الیم دارد آنهایی که مسئولیت میانی را قبول کردند عذاب میانی دارند آنها که مسئولیت ضعیف تری را قبول کردند عذاب کمتری دارند. بعد از این جریان نقل کردند که وجود مبارك پیامبر عده ای را حد قذف زده است.

۴. سوره نور، آیه ۴.

۵. سوره تحریم، آیه ۱۰.

معرفی منافقین توطئه‌گر احد و زمینه‌سازان سقیفه در کلام علی (علیه السلام)

مهم‌ترین حادثه‌ای که وجود مبارک حضرت امیر این را به اجمال بیان می‌کند و سیدناالاستاد (رضوان الله علیه) این را باز کرد و تشریح کرد این است که در صدر اسلام، منافقین حضور فعال داشتند و عدد اینها هم کم نبود زیرا در جریان جنگ احد تقریباً يك سوم جمعیت برگشتند اینها همانهایی بودند که با نفاق زندگی می‌کردند یعنی هزار نفر که برای مبارزه با مشرکین در جنگ احد شرکت کردند سیصد و اندی در راه برگشتند حاضر نشدند که به صحنه احد بیایند خب. این گروه پس رقمشان کم نبود. سوره مبارکه «منافقون» هم درباره اینهاست که اینها کارشکنی می‌کردند تحریم می‌کردند می‌گفتند: ﴿لَا تُنْفِقُوا عَلَى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا﴾ خدای سبحان فرمود تحریم اینها اثر ندارد ﴿وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾^۶ و مخازن الهی نامتناهی است و مانند آن. پس رقم اینها کم نبود (يك) توطئه نظامی و جنگ علیه اسلام را اینها نقشه می‌کشیدند (دو) رابطه مرموزانه با مشرکان مکه هم داشتند (سه) در جریان ترور و رماندن شتر پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در آن شب سهم بسزایی داشتند ولی موفق نشدند (این چهار) آخرین فتنه و بدنامی اینها همان جریان إفك بود (پنج).

تحلیلی وجود مبارک حضرت امیر دارد آن تحلیل، متن است آن متن را سیدناالاستاد شرح کرده شرح سیدناالاستاد این است این گروه کجا رفتند رقمشان کم نبود يك سوم مردم مدینه بودند توطئه ترور هم که توطئه مشؤم و سنگینی بود داشتند آخرین توطئه هم که آلوده کردن حریم حضرت بود هم که ابا نداشتند اینها با پیغمبر نساختند و سوره مبارکه «منافقون» هم برای افشاگری آمده. بعد فرمود وقتی حضرت امیر را خانه‌نشین کردند غدیر را پوشاندند و سقیفه را به بار آوردند همه اینها دیگر دست از کارشکنی برداشتند، دیگر منافقی نداشتیم. کار از این سه حال بیرون نیست یا همه این جمعیت يك دفعه مُردند اینکه نبود یا همه اینها برگشتند مثل سلمان و اباذر توبه

۶. سوره منافقون، آیه ۷.

کردند این هم که نبود یا با حکومت سقفی ساختند «و هو الحق» این تحلیل است خب بالأخره يك سوم مردم مدینه این کاره بودند دیگر، چطور وقتی سقیفه تشکیل شد هیچ سخن از کارشکنی نبود؟!

آن را وجود مبارك حضرت امیر در خطبه ۲۱۰ بعد از اینکه کسی از حضرت سؤال کرد احادیث بدع و ما فی ایدی الناس من اختلاف چیست حضرت فرمود: «إِنَّ فِي أَيْدِي النَّاسِ حَقًّا وَبَاطِلًا وَصِدْقًا وَكَذِبًا وَنَاسِخًا وَمُسْوَخًا وَعَامًّا وَخَاصًّا وَمُحْكَمًا وَمُتَشَابِهًا» که اینها را باید با اجتهاد بررسی کرد بعد فرمود: «رَجُلٌ مُنَافِقٌ مُظْهِرٌ لِلْإِيمَانِ مُتَّصِعٌ بِالْإِسْلَامِ لَا يَتَأْتُمُ وَلَا يَتَحَرَّجُ يَكْذِبُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مُتَّعَمِدًا» علناً دروغ به پیغمبر می‌بندند «فَلَوْ عَلِمَ النَّاسُ أَنَّهُ مُنَافِقٌ كَاذِبٌ لَمْ يَقْبَلُوا مِنْهُ وَلَمْ يُصَدِّقُوا قَوْلَهُ» اگر مردم بدانند که او منافق است که حرفش را نمی‌پذیرند «وَلَكِنَّهُمْ قَالُوا صَاحِبُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رَأَاهُ وَسَمِعَ مِنْهُ وَلَقِفَ عَنْهُ فَيَا حُذُونِ بِقَوْلِهِ» اینها می‌گویند خب این شخص، پیغمبر را دید در زمان پیغمبر بود از او نقل می‌کند لابد راست می‌گوید تا به اینجا می‌رسد، می‌فرماید «إِنَّمَا النَّاسُ مَعَ الْمُلُوكِ وَالدُّنْيَا» آن ادیبی که گفت «الناس على دين ملوكهم»^۷ از همین جمله حضرت امیر گرفته فرمود: «إِنَّمَا النَّاسُ مَعَ الْمُلُوكِ وَالدُّنْيَا إِلَّا مَنْ عَصَمَ اللَّهُ»^۸ مگر کسی خدا او را حفظ بکند وگرنه مردم اکثریشان به دنبال دنیا هستند. این متن را سیدناالاستاد به صورت دقیق شرح کرده که منافق يك نفر و دو نفر هم نبودند [بلکه] يك سوم مردم مدینه بودند و کارهای اینها در همه مواقع، روشن بود که دارند چه کار می‌کنند و آن تحریم اقتصادی و امثال ذلك هم که مشخص بود. در ماندن شتر پیامبر اینها دست داشتند. آخرین بار هم مسلوب الحیثیه کردن حریم حضرت بود که بدترین و پست‌ترین کار انسانی است چنین گروهی است. بعد از اینکه حضرت امیر خانه‌نشین شد همه اینها فروکش کردند. تحلیل سیدناالاستاد این است که

۷. سعدی، دیباجه گلستان.

۸. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۰.

یکی از این سه حال باید باشد یا باید بگوییم همه اینها از بین رفتند اینکه نیست یا همه اینها برگشتند مثل سلمان و اباذر شدند آدم صالح شدند که نیست یا با حکومت وقت ساختند «کما هو الحق»، «إِنَّمَا النَّاسُ مَعَ الْمُلُوكِ وَالدُّنْيَا».

عدم قبول ابدی شهادت قاذف در صورت بقاء عنوان

اما در جریان آن آیه قبلی که ﴿وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا﴾^۹ مستحضرید «تأیید کلّ شیء بحسبه» اگر گفتند ابداً یعنی مادامی که این عنوان است این با او هست مثلاً درباره زمین گفتند این زمین وقف است خب وقف عبارت از حبس ابد است دیگر «تحبیس الأصل و تسبیل الثمره»^{۱۰} حالا اگر این زمین از بین رفت خب وقفش هم از بین می‌رود یا خانه‌ای وقفی خراب شد [وقفش از بین می‌رود] خانه را می‌شود وقف کرد درخت را می‌شود وقف کرد يك عصا را می‌شود وقف کرد ابدیت کلّ شیء بحسبه در این روستاها و اینها وقف درخت گردو و امثال اینها اصلاً رواج داشت فلان درخت گردو را وقف می‌کردند چه اینکه وقف خانه هم است در اینجا که فرمود: ﴿وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا﴾ یعنی «مادام کونهم فساقاً».

دلالت روایات بر مقبولیت شهادت قاذف تائب

چند روایت هست که اگر کسی حد خورد و عادل شد و توبه کرد و اصلاح کرد شهادت او مقبول است. در تفسیر کنزالدقائق جلد ۲۵۱ صفحه ۲۵۱ این دو روایت هست. وقتی از وجود مبارك امام صادق (سلام الله علیه) سؤال می‌شود که اگر کسی قذف کرد و حدّ قذف بر او جاری شد و توبه کرد «وَلَا يُعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا أَتَجُوزُ شَهَادَتَهُ» جواز یعنی نفوذ آیا شهادت او نافذ است «قال (علیه السلام) نعم» بعد فرمود: «مَا يُقَالُ عِنْدَكُمْ» نزد شما آنها چه می‌گویند فقهای دیگر چه می‌گویند «قُلْتُ يَقُولُونَ تَوْبَتَهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ وَ لَا تُقْبَلُ شَهَادَتُهُ أَبَدًا» آنها می‌گویند توبه او عذاب اخروی را برطرف می‌کند ولی این حکم فقهی همچنان باز است شهادت او مقبول نیست «فقال (علیه السلام) بئس ما

۹. سوره نور، آیه ۴.

۱۰. تذکرة الفقهاء (ط - القدیمة)، ص ۴۲۶.

قالوا» چه حرفی است می‌زنند؟! پدرم یعنی امام باقر می‌فرمود: «إِذَا تَابَ وَ لَمْ يُعْلَمْ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا جازت شهادته» یعنی ما اهل بیت می‌گوییم شهادت او مقبول است.

حدیث دوم که از مجمع‌البیان مرحوم طبرسی است در ذیل ﴿وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ * إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا﴾^{۱۱} این چنین آمده است که این استثنا دو وجه است یکی اینکه «يرجع إلى الفسق» دوم اینکه استثنا «يرجع إلى الأمرين فإذا تاب قبلت شهادته حدّ أم لم يُحد. عن ابن عباس - إلى قوله - و هو قول أبي جعفر و أبي عبدالله (عليهما السلام)»^{۱۲} قول امام باقر و امام صادق (سلام الله عليهما) این است که اگر قاذف توبه کرده شهادت او نافذ است بنابراین ابدیت کلّ شیء به حسب عنوان آن شیء است وقتی عنوان عوض شد ابدیت هم رخت برمی‌بندد و کسی که حدّ قذف بر او جاری شده او هم توبه کرده و ﴿أَصْلَحُوا﴾ هم شامل حال او بود این توبه او مقبول است «بینة و بین الله» این حکم کلامی، حکم فقهی هم این است که شهادت او نافذ است.

توطئه منافقان باعث رسوایی عذاب آنها و حفظ آبروی اجتماعی

همه این بحثها مقدمه بود برای جریان افک که فرمود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ﴾ يك نفر این توطئه را راه نینداخت ولی بدانید این يك آزمون الهی است این کار، کار خیر است وضع نفاق و منافق روشن می‌شود آنها رسوا خواهند شد طهارت همسران پیغمبر مشخص می‌شود حدّ الهی نسبت به قاذفین جاری می‌شود شما نفاق و منافق را می‌شناسید که نفاق یعنی چه؟ منافقان چه گروهی‌اند تا کجا حاضرند اینها هتّاکی کنند ﴿لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ﴾ همان ﴿عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ﴾^{۱۳} است مبدا شما این را شرّ تلقی کنید برای شما خیر است. آن گاه فضای اجتماع را در ضمن این آیات مشخص می‌کند که جامعه اسلامی نه تنها امنیت نظامی و مالی، [بلکه] امنیت حیثیتی هم دارد همه باید آبروی یکدیگر را حفظ بکنند چیزی را که شنیدند فوراً منتشر نکنند و

۱۱. سوره نور، آیات ۴ و ۵.

۱۲. تفسیر کنزالدقائق، ج ۹، ص ۲۵۱ و ۲۵۲.

۱۳. سوره بقره، آیه ۲۱۶.

چیزی را که شنیدند تا می‌توانند کتمان کنند و اصلاح کنند تا امنیت و آبروی مردم در جامعه محفوظ بماند کار خدا را به خدا واگذار کنید دیر هم نشده ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبَالْمُرْصَادُ﴾^{۱۴} آتش جهنم هم منتظر تبهکاران است ولی در دنیا که زندگی می‌کنید با يك خیال جمع و آبروی حفظ‌شده زندگی کنید محکمه‌ای هست هیچ چیزی هم فوت نمی‌شود روزی است که بر خدا چیزی مخفی نخواهد بود چه اینکه امروز هم مخفی نیست.

بعد فرمود اینها گروهی‌اند اینها دو سه درکه دارند دو سه مرتبه دارند ﴿لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ﴾ هر کدام از اینها گناه خاص خودشان را دارند این «لام»، «لام» اختصاص است نه «لام» منفعت لذا با آن آیه ﴿لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ﴾^{۱۵} معارض نیست آنجا «لام» نفع و «علی» ضرر است که در مقابل هم است اینجا که می‌فرماید: ﴿لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ﴾ «لام»، «لام» اختصاص است؛ نظیر آنچه در سوره مبارکه «اسراء» گذشت که ﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا﴾^{۱۶} این «لها» برای مشاکله نیست چون «لام» در این گونه از موارد وقتی برای اختصاص است یعنی عمل، مخصوص عامل است چه زشت چه زیبا نه اینکه برای مشاکله گفته شد ﴿وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا﴾ اینجا با اینکه سخن از مشاکله نیست فرمود: ﴿لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ﴾ یعنی هر گناهی مختص به خود صاحب گناه است اما ﴿وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ﴾ آنکه بزرگ‌ترین این توطئه را به عهده گرفته گذشته از اینکه حدّ قذف و امثال ذلك دامنگیر اوست ﴿لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ اینها کسانی بودند که ﴿يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ﴾ که آیه نوزده همین سوره است که خواهد آمد اینها جعل کردند در بین چند نفر منتشر کردند به جامعه منتقل کردند چون ﴿يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ﴾ اینها این طور بودند.

پرسش:...

۱۴. سوره فجر، آیه ۱۴.

۱۵. سوره بقره، آیه ۲۸۶.

۱۶. سوره اسراء، آیه ۷.

پاسخ: اینها خیر نیستند یعنی این کار؛ این کار این توطئه به سود شماست برای اینکه آنها رسوا می شوند طهارت حَریم پیغمبر مشخص می شود برای آنها خیر نیست چون فرمود: ﴿لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ﴾ و برای رهبر آنها هم عذاب عظیم است چه اینکه عذاب اخروی را هم مشخص کرده آیه ۲۳ همین سوره که فرمود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾. می بینید عذاب دنیا را دارند، مکرر دارد طردشان می کند، حدّ قذف برایشان بار می کند مسلوب الحیثیه شان می کند اهلِ اِثم می داند تقریباً يك صفحه و نصف این بخش از سوره مبارکه «نور» در همین زمینه است تا امنیت اجتماعی حفظ بشود از نظر آبرو (يك) و حَریم نبوّت هم مصون بماند (دو).

پرسش:...

محدوده تسامح و تساهل در احکام الهی و اخلاق و قوانین اجتماعی

پاسخ: تساهل و تسامح مرزش گذشت اصل بر ستّار بودن است حُسن ظن است نه تسامح، تسامح آن است که در احکام خدا شما مسامحه کنید که بخش گذشت که ﴿وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ﴾^۱ سه فصل بود؛ در دین خدا و احکام خدا جا برای تساهل و تسامح نیست ﴿وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ﴾ در حقوق متقابل، قانون بر اساس عدل است ﴿جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا﴾^۲ فصل سوم یعنی فصل سوم، فصل سوم مسئله اخلاق بود که متمم قانون است که انسان بالاتر از عدل عمل کند یعنی با بالاتر از عدل که احسان است جامعه را اداره کند اینجاست که فرمود: ﴿وَيَذَرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ﴾^۳ اگر ﴿وَيَذَرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ﴾ باشد دیگر پرونده ها این قدر انباشته نمی شود

۱. سوره نور، آیه ۲.

۲. سوره شوری، آیه ۴۰.

۳. سوره رعد، آیه ۲۲؛ سوره قصص، آیه ۵۴.

نمی شود اگر ﴿فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ﴾^۱ باشد قانون است عدل است ولی وضع همین است که می بینید خب.

فرمود: ﴿وَالَّذِي تَوَلَّىٰ كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ * لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا﴾ شما يك روحيد نفرمود نسبت به ديگر فرمود يك روز مثل ﴿لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ﴾^۲ يا ﴿فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ﴾^۳ اصلش در سوره مباركه «حجرات» به اين صورت آمده است؛ آيه ده سوره «حجرات» ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ از اين بالاتر همان آيه سوره مباركه «نور» است كه ﴿فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ﴾ گرچه در بعضی از نصوص وارد شده كه اگر كسى وارد منزل شد كسى در منزل نبود بگويد «السلام علينا»^۴ ولی اگر بود سلام بکند اين سلام بر ديگرى را سلام بر خود مى داند جامعه يك روح است در حقيقت، اگر جامعه يك روح است فرمود زنها و مردها چرا نسبت به خودشان حُسن ظن ندارند نسبت به خودشان يعنى آبروى ديگرى آبروى شماست آبروى شما آبروى ديگرى است به منزله برادرديد در يك مرحله، به منزله نفس واحدديد در مرحله ديگر. فرمود چرا يا كار را نكردند با اينكه اينها يك نفس اند ﴿لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ﴾ آن افك را، افك يعنى از حق به باطل رفتن، از صدق به كذب رفتن، از خير به شر رفتن، از حسن به قبيح رفتن مصروف داشتن بيجا را مى گویند افك. فرمود چرا اينها وقتى اين افك را شنيدند به خودشان حسن ظن نداشتند يعنى آبروى ديگرى آبروى شماست چرا نسبت به خودتان حسن ظن نداريد نفرمود نسبت به ديگرى ﴿لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا﴾ مثل ﴿فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ﴾^۵ شما يك روحيد اگر يك روحيد خب به خودتان سلام بكنيد وقتى وارد اتاق شديد با اينكه انسان دارد به ديگرى سلام مى كند و چرا نگفتيد اين افك مبين است چرا جلوى اين تهمت را نگرفتيد ﴿لَوْلَا جَاؤُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةٍ

۱. سوره بقره، آيه ۱۹۴.

۲. سوره نساء، آيه ۲۹.

۳. سوره نور، آيه ۶۱.

۴. مكارم الأخلاق، ص ۳۴۵.

۵. سوره نور، آيه ۶۱.

شُهَدَاءُ ﴿إِنهَا كَ تَهْمَت زدنډ چرا چهار شاهد نیاوردنډ ﴿فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ﴾ اینها نزد خدا دروغگویند، برای تأمین حیثیت جامعه اگر کسی واقعاً آگاه بود ولی چهار شاهد نداشت حق ندارد کسی را متهم بکند برای اینکه این شخص ولو در مقام ثبوت صادق است ولی در مقام اثبات چون توان اثبات ندارد حدّ قذف بر او جاری می‌شود کاذب است با اینکه عادل است و درست گفته دیده ولی امنيّت حیثی جامعه باید محفوظ بماند و کار خدا را باید به خدا واگذار کرد ﴿فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ﴾ * وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿

«و الحمد لله ربّ العالمين»